

باید انتظار تغییر فرهنگی باشیم؟

ادامه از صفحه یک

وقتی ساختار فرهنگی دچار اختلال است، رفتارهای دینی نیز از حالت پایدار و معنادر خارج می‌شوند و صرفاً در قالب رفتارهای مناسکی ظاهر می‌شوند که نمی‌توانند از تحولات فرهنگی عمیق‌تر جلوگیری کنند. مجموعه این عوامل – گسست هویتی، غلبه رویکرد سلبی و بحران شناختی در ساختار سیاست‌گذاری – تصویری از وضع فرهنگی کشور ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد چرا رهبر انقلاب از «انقلاب در ساختار فرهنگی» سخن گفته‌اند. این سخن نه یک شعار سیاسی و نه یک مطالبه مقطعی، بلکه پاسخی به انباشتی از ناهماهنگی‌ها، ناکارآمدی‌ها و اختلالات ساختاری است که طی دهه‌ها شکل گرفته و امروز نیازمند تحولی در سطح «انقلاب» است؛ تحولی که بتواند بنیادهای نظام فرهنگی را بازآرایی کند و ظرفیت پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی جامعه را فراهم سازد.

انتظار از شورای عالی انقلاب فرهنگی چیست

در امتداد بحث پیشین، پرسش محوری این است که چرا با وجود حضور چهره‌های فرهیخته، باتجربه و آگاه در شورای عالی انقلاب فرهنگی، کنش جمعی این شورا به ایجاد تغییرات واقعی در نظام فرهنگی کشور منجر نمی‌شود؟ این پرسش زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم اغلب اعضای شورا – چه اعضای حقیقی و چه حقوقی، چه نسل‌های جدیدتر و چه دوره‌های پیشین – در گفت‌وگوهای فردی و کارشناسی، از عمق مسائل فرهنگی کاملاً آگاهند و بسیاری از آن‌ها تحلیل‌هایی حتی دقیق‌تر از مباحث مطرح‌شده در این گفت‌وگو ارائه می‌کنند. بنابراین مسئله در «فهم فردی» یا «توان کارشناسی» آنان نیست، بلکه در ساختار کنش جمعی و کارکرد نهادی شورا نهفته است. نخست آنکه شورای عالی انقلاب فرهنگی یک سیاست‌گذار کامل و تام نیست. این شورا اگرچه بر اساس قانون و بر اساس انتظارات رهبری باید نقش ستاد عالی سیاست فرهنگی کشور را ایفا کند؛ اما در عمل فاقد مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری یعنی قدرت الزام‌آوری، ضمانت اجرا، ابزار تشویق و تنبیه و سازوکار پیگیری مصوبات است. از همین رو، تصمیمات شورا بیش از آنکه «سیاست ملزم‌کننده» باشند، به «توصیه‌هایی غیرالزامی» تبدیل شده‌اند. پیامد این وضعیت، شکل‌گیری یک اختلال نهادی است؛ نهادی که از آن توقع «تغییر نظم فرهنگی» وجود دارد؛ اما فاقد ابزار اعمال این تغییر است. نمونه روشن این اختلال را می‌توان در موضوع قانون حجاب مصوب ۱۳۸۳ دید؛ قانونی که وظایف ۲۱ دستگاه را در این حوزه تعیین کرده است. بااین حال، در عمل بار اجرا صرفاً بر دوش نیروی انتظامی گذاشته‌شد، درحالی‌که اگر سایر دستگاه‌ها به وظایف مصوب خود پایبند بودند، مسئله هیچ‌گاه به سطح تنش اجتماعی نمی‌رسید. این مثال تنها یک مصداق از فقدان التزام نهادهای اجرایی و اداری به مصوبات شورا است؛ خلی که به روشنی نشان می‌دهد سیاست‌گذار فرهنگی بدون ابزار اجرا، عملاً سیاست‌گذار نیست. در سطحی کلان‌تر، این مشکل به ساختار دیوان‌سالاری کشور بازمی‌گردد. بوروکراسی موجود نه تنها با سیاست‌های فرهنگی سازگار نیست، بلکه در مواردی در برابر آن‌ها مقاومت می‌کند. در چنین نظمی، حتی حضور «فرهیخته‌ترین ترکیب انسانی» نیز به تغییر

فرهنگی منجر نمی‌شود. زیرا ساختار بوروکراتیک توان جذب، تبدیل و تحقق تصمیمات فرهنگی را ندارد. افزون بر این، سیاست فرهنگی را نمی‌توان به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقلیل داد. عرصه فرهنگ یک منظومه چندبعدی است که در آن دولت، مجلس، قوه قضاییه، نظام تعلیم و تربیت، رسانه ملی، دستگاه‌های فرهنگی حکومتی، نهاد‌های اجتماعی و حتی ساختارهای مرتبط با نهاد ولایت فقیه، همگی نقش دارند. ناهماهنگی میان این اجزاء، خود به عامل اختلال تبدیل شده است. برای مثال، نظام تعلیم و تربیت و نظام رسانه‌ای – که باید ستون‌های اصلی سامان‌دهی فرهنگی باشند – عملاً در بسیاری از دوره‌ها هم‌راستا با سیاست‌های فرهنگی کشور عمل نکرده‌اند. تغییرات جهت‌گیری در آستانه انتخابات‌ها، نوسانات در سیاست رسانه‌ای و فاصله‌گیری برخی واحدهای آموزشی و رسانه‌ای از برنامه‌های کلان فرهنگی، نشانه‌هایی از همین ناهماهنگی ساختاری هستند. این وضعیت تنها حاصل کاستی‌های داخلی نیست، جهان امروز حساسیت بی‌سابقه‌ای نسبت به فرهنگ کشورهایی مانند ایران دارد. نظام جهانی، به ویژه از طریق رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی، به‌طور دائم در حال اثرگذاری بر باورها، رفتارها و سبک زندگی جامعه ایرانی است. این تغییرات سریع جهانی، نیازمند یک سازوکار سیاست‌گذاری و اجرایی چابک است؛ امری که در ساختار فعلی تحقق نیافته و یکی از دلایل تأخیر در «انقلاب در ساختار فرهنگی» محسوب می‌شود.

در این میان، پیوند میان مردم، نخبگان و حکمرانی نیز محل تأمل است. سیاست فرهنگی بدون تعامل این سه سطح، هرگز به نتیجه نمی‌رسد؛ اما در کشور ماگاهی فاصله‌ای میان تشخیص مسئله در سطوح حکمرانی و اولویت‌های واقعی جامعه دیده می‌شود. طرح این نکته به معنای «تبعیت کامل از ذوق مردم» نیست، بلکه تأکید بر این است که ذوق و فهم عمومی از عناصر مؤثر در تنظیم سیاست فرهنگی است و این ذوق نیز خود نیازمند تربیت و هدایت از مسیر نظام آموزش و رسانه است. هنگامی که این تربیت صورت نمی‌گیرد، ناگزیر بخشی از سیاست‌ها باید با توجه به ذوق عمومی تنظیم شود

روایتی از غبارروبی ضریح مطهر حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السّلام

زیر سایهٔ چادر مادر



مریم عرفانیان
نویسنده

برای اولین بار، به مناسبت ولادت بانوی دو عالم، حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها)، دعوت شده بودم به آیین غبارروبی ضریح مطهر آقا علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام)، دعوتی که مرا به خویشستن حقیقی‌ام فرامی‌خواند؛ به جایی در درون که سال‌ها زیر لایه‌هایی از غبار روزمرگی گم شده بود... در میان جمعی از بانوان نخبه که بیشترشان خانواده‌های شهدا، مادران پر فرزند، یا چهره‌های علمی و فرهنگی بودند؛ یکی چون من، نویسنده‌ای از میان حرف‌ها و واژه‌ها و دیگری همچون خانم نسرین شاهی، قهرمان پراوازه تیراندازی پارالمپیک جهان. هرکدام از بانوان داستانی برای گفتن داشتند؛ داستانی آمیخته به جهاد، صبر و سرپنداری. مادری آنجا بود با سه شهید در

آغوش خاطراتش؛ راوی کتاب «درگاه این خانه بوسیدنی ست»، خاتم «فروغ منهی»، مادر شهدا داود، رسول و علیرضا خالقی پور... و بانویی دیگر، خاتم مریم کارگر عزیز که پنج محرمش یعنی دو پیرادر، همسر، پدر و پسرش شهید شده بودند و روایت زندگی‌اش را خودم نوشته و کتابش در آستانه انتشار بود. آری، هر یک از بانوان داستانی داشتند، از اینکه حظور به اینجا دعوت شده و اصلاً چرا دعوت شده بودند؛ و من یقین داشتم امضای دعوت نامه همه ما را خود آقا امام رضا (علیه‌السلام) زده بود. وقتی در روضه منزل باز شد، انگار دری از آسمان گشوده شد. همه با چشم‌هایی خیس از اشک، نشستیم روبه‌روی ضریح... اصلاً مگر می‌شد در آن هوای پر از عطر عود و عنبر حل نشد؛ دیگر از «من» خبری نبود؛ فقط «ما» بودیم و عطری قدسی که از بهشت می‌آمد. ضریح که گشوده شد، بزرگانی همچون حاج آقا مروی، تولیت محترم آستان

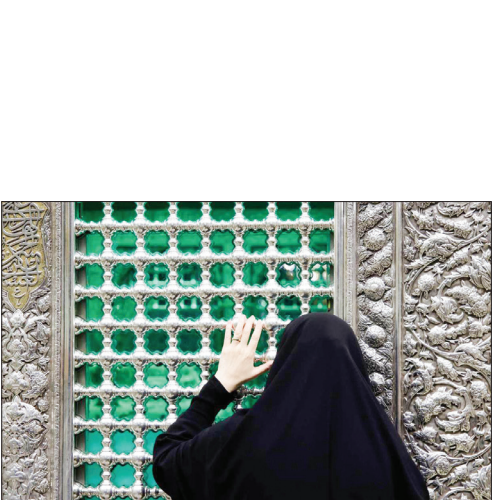


و بخشی نیز باید در مسیر اصلاح ذوق و ارتقای فهم فرهنگی جامعه قرار گیرد. مثال‌های مرتبط با موسیقی، کنسرت‌ها، اکران‌های سینمایی و نحوه مواجهه با مسائل فرهنگی نظیر حجاب دقیقاً نشان‌دهنده همین واگرایی است. گاه حکمرانی به سمت محدودسازی حرکت می‌کند، درحالی‌که گرایش عمومی جامعه در مسیری دیگر است و نخبگان نیز در این میان نقش‌های متنوعی ایفا می‌کنند؛ برخی به سمت جامعه می‌روند و از نگاه رسمی فاصله می‌گیرند، برخی با سیاست‌های رسمی همسو می‌شوند و برخی دیگر از هر دو سو فاصله گرفته و به جریان‌های اعتراضی نزدیک می‌شوند. این ناهماهنگی در سطوح نخبگان، مردم و حکمرانی خود به یک چالش فرهنگی تبدیل می‌شود و سرریز آن در رسانه رسمی، نظام آموزشی، امنیت روانی جامعه و حتی اخلاق سیاسی دیده می‌شود. نتیجه کلی این وضعیت آن است که از یک سو در رأس حکمرانی مطالبه فرهنگی وجود دارد، در میان نخبگان ادراک مسئله قابل قبول است و در سطح جامعه نیز نشانه‌های اختلال فرهنگی مشاهده می‌شود؛ اما محصول کنش جمعی این سه سطح، به بهبود وضعیت منتهی نمی‌شود. دلیل این ناکامی در مجموعه‌ای از عوامل درهم‌تنیده است؛ سیاست‌گذاری ناقص، ضمانت اجرای ناکافی، بوروکراسی ناکارآمد، ناهماهنگی نهادی، فقدان پیوند ساختاری میان مردم و نخبگان و حکمرانی و غفلت از حساسیت جهانی نسبت به فرهنگ ایرانی. به همین دلیل است که «انقلاب در ساختار فرهنگی» نه یک شعار، بلکه ضرورتی برای بازسازی کل منظومه فرهنگی کشور محسوب می‌شود؛ ضرورتی که بدون بازنگری در سیاست‌گذاری، ساختار اداری، نظام رسانه‌ای، تعلیم و تربیت و نحوه سازماندهی رابطه میان مردم و نخبگان و حکمرانی، هرگز محقق نخواهد شد.

بحران فهم فرهنگی و غیبت «محصول» در کنش حکمرانی فرهنگی

یکی از بنیادی‌ترین موانع تحقق تحول فرهنگی در کشور، فقدان یک فهم دقیق، عمیق و اولویت‌مند از مسئله فرهنگ در سطح حکمرانی و در میان

کنشگران نهادی است. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که نوع فهم از فرهنگ، تعیین‌کننده شیوه مواجهه با امنیت، مقاومت، توسعه اجتماعی و حتی انسجام ملی است. زمانی که امنیت را از «سخت‌افزار» آغاز می‌کنیم، مسیر کاملاً متفاوتی رقم می‌خورد نسبت به هنگامی که امنیت را از «فرهنگ» و از «فتح قلوب» شروع می‌کنیم. هر دو ضروری‌اند؛ اما تقدم مفهومی و عملی آن‌ها یکسان نیست. کشوری که مقاومت را صرفاً با گسترش مرزهای جغرافیایی تعریف می‌کند، در بهترین حالت به پیروزی‌هایی مقطعی دست می‌یابد؛ حال آنکه جامعه‌ای که بر فتح قلوب مردم خود و مردم منطقه تمرکز می‌کند، ثبات و مقاومت پایدار را تجربه خواهد کرد. این تفاوت در رویکرد، بازناب اولویت ذهنی و تربیتی کنشگران حکمرانی است و نشان می‌دهد که چرا در کشور، حوزه فرهنگ گاهی به موضوعی حاشیه‌ای در سیاست‌گذاری تبدیل می‌شود. نمونه‌ای از پیامدهای این غفلت را می‌توان در انقطاع تاریخی جامعه ایرانی مشاهده کرد. پیوند عمیق میان اسلام و ایران – به ویژه از دوره صفوی به بعد – حامل حجم عظیمی از خدمات متقابل، محصولات فرهنگی، صنایع هنری و میراث معنوی است؛ اما این پیوند در ذهن نسل‌های جدید تقویت نشده است. بخش بزرگی از جامعه از این تاریخ فرهنگی مشترک بی‌خبر است یا آن را تجربه نکرده است. این امر صرفاً یک نقص معرفتی نیست، بلکه نتیجه فقدان سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر فهم دقیق از جامعه و نیازهای نسلی است. یکی از دلایل تداوم این وضعیت، تمایل ساختار حکمرانی به انتخاب «راه سخت» به جای «راه نرم» است. برای بسیاری از تصمیم‌گیران، کار با سخت‌افزار – از امنیت گرفته تا مدیریت بحران – قابل اندازه‌گیری، فوری و ساده‌تر است، درحالی‌که کار فرهنگی نیازمند صبر، تولید معنا، تعامل اجتماعی و تبدیل مفاهیم قلبی به «محصول قابل حس عمومی» است. فرهنگ، موضوعی محسوس و قلبی است و تنها زمانی اثرگذار می‌شود که در قالب محصول فرهنگی، رسانه‌ای و اجتماعی قابل تجربه باشد. درست در همین نقطه، فقدان اهتمام نظام‌مند به تولید محصول فرهنگی آشکار می‌شود. این ضعف تنها به ساختارهای کلان حکمرانی محدود نیست؛ درون شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر نهاد‌های مشابه نیز نوعی تقلیل‌گرایی ساختاری ریشه دوانده است. بسیاری از کنشگران این عرصه، وظیفه خود را صرفاً «تولید سند»، «تصویب سیاست» و «تنظیم نقشه» می‌دانند، نه تولید محصول و نه هدایت شبکه کنشگران فرهنگی به سمت تولید محصول. عباراتی مانند «ما گفته‌ایم، اما انجام نمی‌شود» یا «وظیفه ما تصویب است، نه اجرا» در فضای فرهنگی کشور رایج است. در نتیجه، میان «سیاست» و «محصول فرهنگی» فاصله‌ای بزرگ شکل گرفته است؛ فاصله‌ای که هیچ تغییری در جامعه ایجاد نمی‌کند. در جمع‌بندی باید گفت فقدان فهم دقیق فرهنگی، ترجیح راه‌حل‌های سخت به راه‌حل‌های نرم و تقلیل نقش کنشگران فرهنگی به تولید سند به جای تولید محصول سه عامل اصلی توقف تحول فرهنگی در کشورند. تا زمانی که فرهنگ به عنوان زیربنای امنیت، مقاومت و توسعه اجتماعی درک نشود؛ تا زمانی که تولید محصول فرهنگی به عنوان وظیفه اصلی نهادهای فرهنگی پذیرفته نشود و تا زمانی که ساختارهای فرهنگی از بوروکراسی کارآمد بدون اثر به سازمان‌های مسئله‌محور محصول‌ساز تبدیل نشوند، نمی‌توان انتظار تغییر فرهنگی بنیادین را داشت.



(سلام‌الله علیها) بر سر همه‌مان سایه انداخت؛ آرام، گرم، بی‌نیانها... زیر لب تکرار کردم: «ای که روزی دو عالم همه از چادر توست...» آن لحظه فهمیدم، دعوت ما نه به غبارروبی ضریح که به غباررویی از دل بوده است. فهمیدم هیچ دستی جز دست مهران خدا، انسان را بی‌مسبب به آستانه عشق نمی‌خواند. و حالا هر بار که چشم‌هایم را می‌بندم، صدای آن مداحی، عطر روضه منوره و سایه آن چادر آسمانی را بر جانم احساس می‌کنم؛ گویی هنوز نشسته‌ام روبه‌روی آقا... و ذکر لبم، تنها «یا رضا» است؛ ذکرِی که از دل برمی‌خیزد و تا ابد باقی است. چه حسن ناب زیبایی، چه شوری، چه شیدایی‌ای، چه نیرویی گرفتم از همان لحظات بی‌تکرار...

۱۸ آذر ۱۴۰۴

فراخوان ارزیابی صلاحیت

فراخوان ارزیابی صلاحیت تولیدکنندگان روغن توربین

شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی در نظر دارد فراخوان ارزیابی صلاحیت تولیدکنندگان روغن توربین به شماره ۲۰۰۴۰۵۰۱۱۰۰۰۴۱ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه لیست پیشنهاددهندگان دارای صلاحیت از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی اعضای الکترونیکی (به‌صورت برخط) برای کلیه صاحبان اعضای مجاز و مهروزامانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

تاریخ انتشار فراخوان: ساعت ۰۸:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۸

مهلت دریافت اسناد فراخوان: ساعت ۱۵:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه:

تهران، شهرک قدس، انتهای بلوار دامن‌ان غربی، پژوهشگاه نیرو، شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی

شماره تماس: ۵۸۳۷۶۰۰۰ - ۰۲۱

شماره شناسه ۲۰۶۵۹۵۰
شماره م. الف ۳۳۴۴

مدرك تحصيلی (گواهی موقت) اينجانب نويد غلامی فرزند طهمورث به شماره ملی ۲۹۷۱۶۴ ۲۹۶۰ در مقطع کارشناسی رشته پرستاری صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از پابنده تقاضا می‌گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه به نشانی مراغه – اتوبان شهید درختی – دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه ارسال نماید.

■ ■ ■

مدرك فارغ التحصيلی دانشجو آقای وحيد ملائی سريوئن فرزند علی به شماره شناسنامه ۷۷۹۴ و کد ملی ۲۶۰ ۳۰۳۱۸۱۰۲۶۰ صادره از اسلامآباد غرب در مقطع کارشناسی ناپيوسته در رشته مهندسی تکنولوژی برق– قدرت واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت با شماره تماس۰۹۳۷۳۱۷۸۹۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از پابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک دانشگاهی را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت به نشانی جیرفت میدان دانشگاه ارسال نماید.

■ ■ ■

مدرك: وحيد نعيمی فرزند يحيی دارای شناسنامه ۵۰۰ صادره ساوه مدرک مهندسی عمران صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از پابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه- کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیك- شهرک دانشگاهی خاتم الانبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.



آگهی ثبت اثر در فهرست آثار ملی

وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در نظر دارد نسبت به ثبت خانه ورثه عبدالحسین آزاد واقع در استان فارس، شهرستان نیریز، خیابان امام حسین، کوچه ۶، فرعی اول سمت راست، آخر کوچه در فهرست آثار واجد ارزش تاریخی – فرهنگی کشور اقدام نماید. لذا در اجرای قانون راجع به حفظ آثار ملی، بدینوسیله از مالک یا مالکین محترم دعوت می‌گردد، حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار آگهی با در دست داشتن اسناد و مدارک معتبر به معاونت میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان فارس واقع در شهر شیراز، بلوار مدرسو، روبه‌روی خیابان قضیلت، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، واحد ثبت آثار مراجعه نمایند. بدیهی است در صورت عدم مراجعه در زمان مقرر برابر مقررات اقدام و هیچ‌گونه اعتراضی از مالک پذیرفته نخواهد شد.

شماره شناسه۲۷۰۶۸۴۲۷